

## داستان غصب فدک و بهانه های غاصبان

<?xml encoding="UTF-8?">

متن خطبه:



ثم لم تلبثوا الارث [الى ريث] ان تسكن نفرتها، و يسلس قيادها، ثم اخذتم تورون و قدتها و تهيجون جمرتها، و تستجيبيون لهتاف الشيطان الغوى واطفاء انوار الدين الجلى و اخماد سنن النبى الصفى.  
تسرون حسواً فى ارتغاء، و تمشون لاهله و ولده فى الخمر و الضراء، و نصبر منكم على مثل حزالمدى، و وخز السنان فى الحشا.

و انتم الان اتزعمون ان لا ارث لنا؟

افحكم الجاهلية يبغون و من احسن من الله حكماً لقوم يوقنون؟

افلا تعلمون؟ بلى تجلى لكم كالشمس الضاحية الى ابنته.

ايها المسلمون أغلب على ارثيه؟ يا بن ابى قحافة! افى كتاب الله ان ترث اباك و لا ارث ابى؟ قد جئت شيئاً فرياً.

افعلى عمد تركتم كتاب الله و نبذتموه وراء ظهوركم اذ يقول:

«و ورث سليمان داود»

«و قال فيما اقتص من خبر يحيى بن زكريا اذ قال:

«فهب لى من لدنك وليا يرثنى و يرث من آل يعقوب».

وقال:

«و اولوا الارحام بعضهم اولى ببعض فى كتاب الله»

و قال:

«يوصيكم الله فى اولادكم للذكر مثل حظ الانثيين»

و قال:

ان ترك خيراً الوصية للوالدين و الاقربين بالمعروف حقا على المتقين:»

و زعمتم ان لاحظوة لى ولا ارث من ابى؟ و لا رحم بيننا؟

افخصكم الله بآية اخرج منها ابى؟ ام هل تقولون ان اهل ملتين لايتوارثان؟ اولست انا و ابى من اهل ملة واحدة

ام انتم اعلم بخصوص القرآن و عمومه من ابى و ابن عمى؟

فدونكها مخطومة مرحولة، تلقاك يوم حشرتك، فنعم الحكم الله و الزعيم محمد(ص)، و الموعد القيامة و عند

الساعة يخسر المبطلون و لا ينفعكم اذ تندمون،  
«و لكل نبأ مستقر و سوف تعلمون».  
«من يأتيه عذاب يخزيه و يحل عليه عذاب مقيم».

#### ترجمه:

آری، شما ناقه خلافت را در اختیار گرفتید، حتی این اندازه صبر نکردید که رام گردد، و تسلیمیتان شود، ناگهان آتش فتنه ها را برافروختید، و شعله ای آن را به هیجان در آوردید و ندای شیطان اغواگر را اجابت نمودید، و به خاموش ساختن انوار تابان آئین حق و از میان بردن سنت های پیامبر پاک الهی پرداختید.  
به بهانه گرفتن کف - از روی شیر - آن را به کلی تا ته مخفیانه نوشیدند.  
ظاهراً سنگ دیگران را به سینه می زدید اما باطناً در تقویت کار خود بودید -.  
برای منزوی ساختن خاندان و فرزندان او به کمین نشستید، ما نیز چاره ای جز شکیبایی ندیدیم، همچون کسی که خنجر بر گلوئی او و نوک نیزه بر دل او نشسته باشد!  
عجب اینکه شما چنین می پندارید که خداوند ارثی برای ما قرار نداده - و ما از پیامبر خدا(ص) ارث نمی بریم -.  
آیا از حکم جاهلیت پیروی می کنید؟ چه کسی حکمش از خدا بهتر است برای آن ها که اهل یقینند؟!  
آیا شما این مسائل را نمی دانید؟  
آری می دانید، و همچون آفتاب برای شما روشن است که من دختر اویم، شما ای مسلمانان! آیا باید ارث من به زور گرفته شود ای فرزند ابی قحافه به من پاسخ ده!  
آیا در قرآن است که تو از پدرت ارث ببری و من از پدرم ارثی نبرم؟ چه سخن ناروایی؟!  
آیا عمداً کتاب خدا را ترک گفتید و پشت سر افکندید؟ در حالی که می فرماید:  
«سلیمان از پدرش داود ارث برد».  
و در داستان یحیی بن زکریا می گوید:  
«خداوند فرزندی نصیب من کن که از من و از آل یعقوب ارث ببرد».  
و نیز می فرماید:  
«خویشاوندان در ارث بردن از یکدیگر از بیگانگان اولی هستند».  
و نیز می گوید:  
«خداوند به شما درباره فرزندان تنان توصیه می کند که سهم پسران دو برابر دختران است».  
و نیز فرموده:  
«اگر کسی مالی از خود بگذارد، برای پدر و مادر و بستگان به طرز شایسته وصیت کند، این بر همه پرهیزکاران حق است».  
شما چنین پنداشتید که من هیچ بهره و ارثی از پدرم ندارم؟، و هیچ نسبت و خویشاوندی در میان ما نیست؟!  
آیا خداوندی آیه ای مخصوص شما نازل کرده است که پدرم از آن خارج ساخته؟  
یا می گوئید: پیروان دو مذهب از یکدیگر ارث نمی برند، و من با پدرم یک مذهب نداریم!!  
یا اینکه شما به عام و خاص قرآن از پدرم و پسر عمویم آگاهترید؟!  
حال که چنین است پس بگیر آن - ارث مرا - که همچون مرکب آماده و مهار شده آماده بهره برداری است و بر آن

سوار شو،

ولی بدان در قیامت تو را دیدار می‌کند و بازخواست می‌نمائیم، و در آن روز چه جالب است که داور خدا است، و مدعی تو محمد(ص) و موعد داوری، رستاخیز، و در آن روز باطلان زیان خواهند دید، اما پشیمانی به حال شما سودی نخواهد داشت!  
بدانید:

«هر چیزی جایگاهی دارد و قرارگاهی، و به زودی می‌دانید» چه کسی عذاب خوار کننده به سراغش می‌آید و کیفر جاویدان دامانش را می‌گیرد!

### تفسیر:

#### 1- زنده کردن آئین جاهلی

سخنان فاطمه(س) در این بخش اوج بیشتری می‌گیرد و از هیجان و سوز شدیدتری برخوردار است، دلش از این می‌سوزد که بار دیگر احکام جاهلیت دارد زنده می‌شود چرا که در جاهلیت به دختران مطلقاً ارث نمی‌دادند، اسلام آمد و خط بطلان بر این معنی کشید، و همه بستگان مسلمان در ارث شریک و سهیم دانست، بنابراین تنها مسأله «فدک» مطرح نیست، آنچه مطرح است در درجه اول خطر احیای سنن جاهلیت و محو سنن اسلامی است و لذا در این بخش آن‌ها را شدیداً ملامت می‌کند و آن‌ها را زیر رگبار حملات خود قرار می‌دهد. از همه عجیب تر اینکه کار را چنان عجولانه انجام دادند که هر کس می‌فهمید مسأله «غصب فدک» مسأله ساده ای نیست، حتی نگذاردند که جای پایشان در امر خلافت محکم شود، و به اصطلاح آبها از آسیاب بیفتد و بعد به فکر این تجاوز ظالمانه بیفتند و این نکته مهمی برای پی بردن به عمق این توطئه بزرگ است.

#### 2- اشاره به دلائل خصم

دختر پیامبر این خطیب بزرگ و داور پر مایه سپس به طور ضمنی به دلائل آن‌ها می‌پردازد که مدعی بودند رسول خدا(ص) فرموده، «ما پیامبران مطلقاً ارثی از خود به یادگار نمی‌گذاریم». سپس به پاسخ منطقی دندان شکن پرداخته و از عمومات قرآن و خصوص آن شاهد و گواه می‌آورد، و با ذکر چندین آیه از کتاب ثابت می‌کند که باید این حدیث مجعول را به دیوار کوبید!

#### 3- فاطمه(س) تمام راه های فرار را به روی آن‌ها می‌بند

این عالمه بزرگوار چنان با حربه استقلال بر حریف هجوم می‌آورد که راه گریزی برای او باقی نمی‌گذارد. می‌فرماید: اگر عذر شما آن حدیث مجعول است که می‌گویید:  
«ما پیامبران ارثی نمی‌گذاریم»!

پاسخ آن را از آیات قرآنی برای شما گفتم، و اگر عذر شما ممنوع بودن ما از ارث است بدانید در اسلام همه فرزندان از پدران و مادران خود ارث می‌برند، تنها کسانی مستثناء هستند که هم کیش و هم آئین پدر نباشند، یعنی فرزندان غیر مسلمان از پدر و مادر مسلمان هرگز ارث نمی‌برند، آیا به عقیده شما آئین من و پدرم از هم جدا؛ رز است؟!!

و اگر رسوبات احکام جاهلی در مغز شماست که می‌گوید:  
«دختر سهمی از ارث ندارد» با طلوع آفتاب اسلام این موهومات و خرافات برچیده شده و راهی به سوی بازگشت به شب ظلمانی بعد از طلوع صبح وجود ندارد.

#### 4- آیا شما به قرآن آشناترید یا اهل بیت وحی(ع)؟

فاطمه(س) این بانوی شجاع این راه را هم بر آن‌ها می‌بندد که بگویند ما از قرآن چنین و چنان می‌فهمیم، می‌گوید کجای قرآن؟ و با کدام تفسیر؟ چه کسی بهتر از پسرعمویم علی(ع) که در آغوش وحی پرورش یافته، و از کاتبان وحی بوده، و قرآن و تفسیر قرآن را از دو لب پیامبر (ص) شنیده به این کار سزاوارتر است؟ اصلاً قرآن در خانه ما نازل شده و «اهل البیت ادری ما فی البیت» خلاصه در یکجا به مسأله ارث بردن سلیمان از پدرش داود، و ارث بردن یحیی از پدرش زکریا که همه از انبیای بزرگ بودند اشاره می‌فرماید و می‌گویند- بر خلاف این روایت مجعول - قرآن تصریح می‌کند که از یکدیگر ارث بردند و می‌دانیم هر روایتی مخالف قرآن باشد از درجه اعتبار ساقط است. و گاه از عمومات قرآن که می‌گوید: «فرزندان، اعم از پسر و دختر، از پدران ارث می‌برند» و «عموم خویشاوندان در سهم ارث طبق قانون اسلام و طبقات تعیین شده در ارث سهمیه دارند» بهره می‌گیرد و می‌گوید: آیا این خبر واحد که هم مخالف عموم قرآن است و هم مخالف خصوص آن می‌تواند ارزش و بهائی در دادگاه عدل اسلامی داشته باشد و سر سوزنی برای آن قیمت قائل شد؟ سپس تمام راههای دیگر از جمله موانع مهم ارث را شمرده و نفی می‌کند.

#### 5- اکنون که چنین است همه از آن شما!

سپس دختر گرامی(ص)، این بانوی فداکار برای اینکه آن‌ها تصور نکنند که دلبستگی خاصی به فدک به عنوان مال دنیا دارد، نه به عنوان یک هدف الهی، در بخش دیگری از سخنانش می‌افزاید: «اکنون که چنین است همه اش را در اختیار بگیرید، و هر کار از شما ساخته است بکنید، اما بدانید دادگاه عظیمی در پیش دارید که با دادگاههای عالم دنیا فرق بسیار دارد، در آنجا حاکمش خدا است، و مدعی شما در آن دادگاه شخص پیامبر(ص) است، و موعد دادگاه روز قیامت «یوم البروز» روز آشکار شدن همه پنهانی هاست!» اگر پاسخی برای آن روز آماده کرده‌اید بسم الله، و گرنه خود را برای کیفر الهی آماده کنید. آن روز قطعاً از کار خود پشیمان خواهید شد ولی این پشیمانی قطعاً برای شما سودی نخواهد داشت چرا که پرونده اعمال بسته شده، و راهی برای بازگشت به گذشته وجود ندارد.